«اختلاط»، معنای «مزج» و «مرج»

در صفحه‌ی هفتاد و سوم بودیم. به این عبارت از خطبه الوسیله رسیدیم: «فارق الأشياء لا علی اختلاف الأماكن، و تمكن منها لا علی الممازجة». چون خدای متعال احدی‌ّالمعنی است، «لم یتفاوت فی ذاته» است و تبعض در او نیست، پس با هیچ شیای مصاحبت ندارد. از همه‌ی اشیاء جدا شده است. «فارق الاشیاء» اما «لا علی اختلاف الامکان»؛ نه اینکه خداوند یک جایی رفته است و اشیاء، جای دیگری باشند. «فارق»؛ مفارقت، همان سبق مطلقه است. مفارقتی است که هویت غیبیه‌ی الهیه، بر هر امری حاصل است. در همین مباحثات این سال‌ها، راجع به این مفارقت به تفصیل صحبت شده است. خیلی مفصل عرض کردم.

شاگرد: در مورد امر و شیء می‌خواستید مطلبی را بفرمایید؟

استاد: یادم آمد که «چیز»، به اشیاء گفته می‌شود و «امر» خیلی وسیع‌تر است. خیلی از امور داریم که آن مفهومی که از چیز داریم، نیستند، اما امر هستند. مثلاً تناقض. تناقض یک چیز نیست، اما تناقض و استحاله‌ی آن یک امر است. استحاله‌ی تناقض، یک نفس‌الامریت دارد. یکی از امور نفس‌الامری، استحاله‌ی تناقض است. اما نمی‌توان گفت که این استحاله‌ی تناقض، شیء است. قبلاً این بحث خیلی تکرار شده است.

«تمكن منها لا علی الممازجة»؛ «مُکنت» را دیدم. مرحوم آقای مصطفوی در التحقیق و ساری‌ن، آن را به‌معنای «استقرار و رسوخ» معنا کرده‌اند. بنده در جلسه‌ی قبل، یک نحو «وسعت»، در آن را، عرض کردم. اینکه «رسوخ» یا «وسعت» در آن هست یا نیست، فعلاً اشاره می‌کنم که آقایان به این صورت فرموده‌اند.

«لا علی الممازجة»؛ مازج، یمازج، ممازجتا و مزاجا و مزاجا. مزاجی که به‌صورت اسم به کار می‌رود، درعین‌حال می‌تواند مصدر باب مفاعله هم باشد. مزاج، کاربردهای بسیاری زیادی در جاهای مختلفی دارد. حالا من لغت مزج را سریع عرض می‌کنم تا به انواع ممازجه برسیم.

بازبینی #2
ایجاد شده 29 ژانویه 2024 13:19:13 توسط ... .
به روزرسانی شده 10 فوریه 2024 13:33:10 توسط ... .